



## مطالعات پسااستعماری در ادبیات مهاجرت \*

لیلا نفرشی مطلق \*\*

### چکیده

مطالعات پسااستعماری از سلسله رویکردهای نقد قرن بیست محسوب می‌گردد که در ادامه نقد پسااستعماری و شالوده شکنی به وجود آمد. ریشه‌های نقد پسااستعماری را می‌توان در منتقدین پسا ساختگرایی همچون ژاک دریدا (Jack Derrida) و نظریه پردازانی همچون میشل فوکو (Michel Foucault) یافت. نقد پسااستعماری که عمدتاً به واسطه تقابل‌های دوگانه می‌پرداخت، بستر مناسبی برای به وجود آمدن مطالعات پسااستعماری مبدل شد. توزیع نامتوازن ثروت و جمعیت که در دوران پسااستعماری، نمود بیشتری پیدا کرد به افزایش روند مهاجرت دامن می‌زند. هر استعماری با نسخه جدیدتری، متناسب با زمان، نیاز و تقاضای اقتصاد استعماری جایگزین می‌گردد. برده داری به بیگاری، و بیگاری به کار با دانش و تخصص کاری تبدیل می‌گردد. مهاجرت نیز مانند هر پدیده دیگری، فرآیند و بازار عرضه و تقاضای خود را دارد. آنچه در بازار کشورهای مهاجر پذیر عرضه می‌شود نیروی کار و کارگر ورزیده ارزان است. بنابراین، تقابل دوگانه / استعمارگر و استعمار شده / جای خود را به تقابل / کارگر و کارفرما / می‌دهد.

امروزه به واسطه وسایل ارتباطی نوین، پدیده مهاجرت بیش از هر زمان دیگری رخ می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد مهاجرت‌های انجام پذیرفته در دهه‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری در کل تاریخ جهان بوده است. موج مهاجرت به عنوان پدیده ای نو، که پیامد دنیای پسااستعماری محسوب می‌شود، از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. ادبیات مهاجرت به روایت زندگی و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجران در سرزمین بیگانه می‌پردازد. این حیطة از ادبیات و نقد ادبی که به نام Diaspora خوانده می‌شود یکی از جدیدترین

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «میراث نقد پسااستعماری در ادبیات مهاجرت» برای معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج است.

\*\* عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

دستاوردهای قرن بیست و یکم می باشد، که حاصل مهاجرت‌های انبوه قرن بیستم و تحولات جهان در این این دوران می باشد. جغرافیای فرهنگی جهان، هویت فردی را ذوب می کند و مفاهیمی همچون زبان، مکان، زمان، بودن، نژاد و برخوردها را دستخوش تغییر می کند و پایه‌های مطالعات فرهنگی و مطالعات پسااستعماری را بنیان می‌نهد.

نگاهی گذرا به کاندیدا و برندگان جوایز ادبی ایران و جهان نشان می دهد که ادبیات مهاجرت ایران سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. ادبیات مهاجرت صدای مرکز نیست. در ادبیات مهاجرت یک صدای واحد و مرکزیت ادبی قاطع وجود ندارد. صداهای حاشیه و صداهای گمشده از مولفه‌های ادبیات مهاجرت هستند که در مقابل صدا و فرهنگ قالب کشور دیگر، در جستجوی هویت خود می باشد.

### کلید واژگان

پسااستعمار، پسا ساختگرایی، استعمار نوین، ادبیات مهاجرت، ادوارد سعید

### مقدمه

اصطلاح مطالعات پسااستعماری به تأثیرات استعمار بر روی فرهنگ و جوامع ملتهای استعمار شده اطلاق می‌گردد (1) نقد پسااستعماری از سلسله رویکردهای ادبی قرن بیست محسوب می‌گردد که در ادامه نقد پسا ساختگرایی و شالوده شکنی به وجود آمد. ریشه‌های نقد پسااستعماری را می‌توان در منتقدین پسااستعماری همچون ژاک دریدا و نظریه پردازانی همچون میشل فوکو یافت. نقد پسا ساختگرایی که عمدتاً به واسازی تقابل‌های دوگانه می‌پرداخت، بستر مناسبی برای به وجود آمدن مطالعات پسااستعماری مبدل شد. تقابل‌های دوگانه نقد پسااستعماری مثل /دال و مدلول /نوشتار و گفتار/ و تقابل‌هایی همچون /زن و مرد/ فعال و منفعل/ که در نقد فمینیستی مطرح بودند جای خود را به تقابل‌های بزرگتری همچون /شرق و غرب/ استعمارگر و استعمارشده/ ارباب و رعیت/ سیاه و سفید/ نژاد برتر و نژاد پست تر/ مرکز و حاشیه/ در نقد پسااستعماری دادند.

مسائلی که در نقد پسا ساختگرایی مطرح بودند تقابل‌های /نوشتار و گفتار/ را به چالش‌های بزرگتری همچون کتاب «استعمارگر و استعمار شده» آلبرت ممی (Albert Memmi) تبدیل کردند. تقابل‌های موجود / خوب و بد/ سیاه و سفید/ فرهنگ غرب را به چالش بزرگتری در کتاب «پوست سیاه/ صورتک‌های سفید» فرانتس فانون (Frantz Fanon) دعوت نمود. تقابل دوگانه /خود و دیگری/ به چالش‌های عظیم /غرب و شرق/ در کتاب «شرق شناسی» ادوارد سعید (Edward Said) دامن زد

و بلاخره این تقابل‌ها، چالش‌ها، گفتمان‌ها، فضای سومی را در نقد ادبی با عنوان «جایگاه فرهنگ» توسط هومی بابا (Homi K. Bhabha) مورد که راه را برای فصل دیگری از نقد ادبی با عنوان نقد مطالعات فرهنگی هموار کرد.

مباحثی که در نقد فمینیستی در خصوص تقابل /زن و مرد/ فعال و منفعل / مطرح بودند جای خود را به ابعاد گسترده تری در نقد پسااستعماری دادند. همان گونه که در نقد فمینیستی، پیش فرض جامعه، برتری و فعال بودن مرد و منفعل بودن زن را متصور است، در تصورات استعماری نیز این برداشت برای شرق تعمیم یافته است. مشرق زمین را با پیش فرض نقش منفعل زنانه در برابر نقش مردانه و فعال غرب متصور می‌شوند. تصورات استعماری غرب بر پیکره مشرق زمین «به صورت موجودی می‌نگرد که وجودش نه تنها در معرض تماشای غرب است بلکه اصولاً بر محورهای زمان و مکان، برای غرب بی حرکت و بلا تغییر مانده است... غرب آن است که عمل می‌کند و شرق آن است منفعل است و واکنش نشان می‌دهد. در رابطه با یک یک جنبه‌های رفتار مشرق زمین، غرب ناظر و داور است و در عین حال نقش هیات منصفه را ایفا می‌کند.» (2)

### ریشه‌های مطالعات پسااستعماری

شاید بتوان گفت که نقد پسااستعماری خاستگاه‌های متعددی در جهان دارد، ولی در مجموع، مطالعات پسااستعماری حاصل تجربیات، مطالعات و تعاملات اندیشمندان جهان سوم با استعمار است. «تا قبل از دهه هفتاد اصلاح پسااستعماری در مراکز علمی و دانشگاهی جهان شناخته شده نبود. بر خلاف آن، امروزه مطالعات پسااستعماری رسماً جایگاه ویژه‌ای در مراکز علمی اروپایی-آمریکایی و حتی دانشگاه‌های کشورهای که قبلاً مستعمره بوده اند یافته است... ولی این بدین معنا نیست که تا قبل از این تاریخ فعالیت‌های ضد استعماری صورت نگرفته باشد.» (3)

اولین خاستگاه یا ریشه نقد پسااستعماری را می‌توان به نقدهای منطقه کارائیب با منتقدانی همچون امی سزار (Aimé Césaire) و فرانتس فانون نسبت داد. این منتقدان که در جزیره مارتینیک در منطقه کارائیب از مستعمرات فرانسه زندگی می‌کردند در فرانسه تحصیل نمودند. از آنجا که هر دوی این منتقدان سیاه پوست بودند، بیشتر تئوری‌های آنها پیرامون مسائل نژادی و جنبش‌های ضد استعماری توأم با خشونت است. خاستگاه دیگر نقد پسااستعماری هندوستان (از مستعمرات بریتانیا) با منتقدانی همچون هومی بابا و

گایاتری اسپیواک است. خانم گایاتری اسپیواک (Gayatri Chakravorty Spivak) و هومی بابا هر دو متولد هندوستان با فرصت تحصیل در انگلستان و تدریس در دانشگاه‌های معتبر آمریکا بوده‌اند. رویکرد این منتقدان بیشتر معطوف به مسائل فرهنگی و مقابله نرم با استعمار است. بر خلاف سایر نظریه پردازان نقد پسااستعماری که تئوری هایشان بیشتر به رابطه نظامی، اقتصادی و سیاسی بین استعمارگر و استعمارزده بود، هومی بابا بیشتر به مطالعه فرهنگ و روابط روانشناختی بین دو استعمارگر و استعمارزده معطوف است.

### استعمار و مطالعات پسااستعماری

امی سزار که از بنیانگذاران مطالعات پسااستعماری بود تأثیر به سزایی زندگی و آثار فرانتس فانون داشت. به گونه‌ای که فانون را به یکی از اندیشه‌های تأثیر گذار قرن بیستم و چهره‌های الهام بخش جنبش‌های آزادی بخش در جهان تبدیل کرد. وقتی فانون جوان در مستعمره زندگی می‌کرد سربازان فرانسوی آنجا را اشغال کردند. او در آنجا به عنوان یک رنگین پوست از نزدیک شاهد جنایت‌ها و تجاوزهای جنسی استعمارگران فرانسوی بود.

فرانتس فانون که یکی از تأثیر گذارترین چهره‌های مطالعات پسااستعماری محسوب می‌گردد. احساسات ملی‌گرای را برای فائق آمدن بر استعمار کافی نمی‌دانست. «مدتهای دراز استعمار زده تلاش خود را وقف از میان برداشتن نابرابری‌هایی از گونه کار اجباری، تنبیه‌های بدنی، نابرابری مزدها، محدودیت‌های حقوقی سیاسی و... می‌کند. این مبارزه در راه دموکراسی و بر ضد ستم بر انسان کم کم از ابهام آزادی طلبی جهانی نو خارج می‌شود تا گاهی به زحمت، به مبارزه در راه استقلال ملی بینجامد. باری تن به خود سازی ندادن نخبه‌ها، نبودن ارتباط ارگانیک میان آنان و توده‌ها و تبلی ایشان، خام دستی و بیگاری و بالاخره بزدلی که این نخبه‌ها در لحظات تعیین کننده مبارزه از خود نشان می‌دهند، منشاء اتفاقات شومی می‌گردند. آگاهی ملی به جای آن که تبلور صاف و یکدستی از قلبی ترین مکنونات و خواسته‌های تمام خلق باشد، به جای آنکه آشکارترین و فوری ترین ثمره بسیج مردم باشد، به هر صورت پوسته‌ای خالی خواهد بود.» (4) فرانتس فانون در کتاب «مغضوبین زمین» به چگونگی واگذاری استقلال به کشورهای استعمار شده اشاره می‌کند. کشورهای مناطق استقلال یافته با هم به جنگ می‌پردازند. کشورهای جنگ زده و اقتصاد بیمار کشورهای استقلال یافته، باعث راهی شدن جمعیت جوان این کشورها به سوی کشورهای توسعه یافته می‌گردد.

### مهاجرت و مطالعات پسااستعماری

مهاجرت نیز مانند هر پدیده دیگری، فرآیند و بازار عرضه و تقاضای خود را دارد. جهت حرکت و مهاجرت از سوی یک سری کشورهای خاص به سمت کشورهای مهاجرپذیر می باشد، بنابراین بازار عرضه و تقاضا را تحت تأثیر قرار می دهد. به گونه ای که عرضه زیاد، تقاضا کم، و شرایط رقابتی و دشوار می گردد. آنچه در این بازار عرضه می شود نیروی کار و کارگر ورزیده می باشد. بنابراین کشورهای مهاجر پذیر به دنبال نیروی کار ارزان هستند. در این صورت هر استعماری با نسخه جدیدتری، متناسب با زمان و تقاضای اقتصاد استعماری جایگزین می گردد. برده داری به بیگاری، و بیگاری به کار با دانش و تخصص کاری تبدیل می گردد. در نهایت، تقابل / استعمارگر و استعمار شده / جای خود را به تقابل / کارگر و کارفرما / می دهد.

### آوارگی و مهاجرت

اصطلاح آوارگی یا Diaspora که از اصلاحات مربوط به نقد پسااستعماری محسوب می شود ریشه در فرهنگ یونانی دارد. این اصلاح که کاربرد اولیه آن در کشاورزی بوده است به معنی پراکندن تخم در مزارع می باشد. بعدها این اصطلاح برای آوارگی یونانیان و یهودیان در جهان به کار برده شد. معقوله استعمار با جوهره حرکت و مهاجرت استعمارگران اروپایی همراه بوده است. استعمارگران برای آباد کردن مزارع کشاورزی نیاز به نیروی کار ارزان داشتند که این بیگاری تبدیل به تجارت پرسود برده داری و اعزام آنها به اروپا و آمریکا گردید.

مزارع نیشکر و رونق اقتصاد کشاورزی اروپا در آمریکا نیاز به نیروی ارزان جهت بیگاری در مزارع داشت. برای این منظور برده‌ها از مستعمرات اروپا در آفریقای جنوبی و غرب آفریقا صادر می شدند. در قرن نوزدهم، با برافتادن قانون برده داری، نوع دیگری از جابجایی‌های نیروی کار ارزان متداول گردید. این بار نژاد سیاه پوست برده، جای خود را به نژاد رنگین پوست و زرد پوستان آسیای شرقی با ملت هایی همچون هندی ها، مالزیایی ها، و چینی ها داد. (5)

در دوران پسااستعماری، استعمار پیر با چهره‌ای نو بازگشته است. در گذشته، استعمار پیر در مستعمرات می‌ایستاد و سیاه پوستان جوان، قوی و سالم را برای بردگی انتخاب می کرد و از طریق بنادر، راهی کار در اروپا و آمریکا می کردند. این سیاست استعماری بعدها جایگزین ارسال نژادهای آسیایی برای بیگاری در بازارهای کار اروپایی شد. در حال حاضر، استعمارگر در کشورهایی که خواهان به دست آوردن استقلال خود بودند حضور فیزیکی ندارد. استعمار نوین با قوانین مهاجرت در مرزهایش ایستاده تا همچون گذشته

مانع از ورود افراد مسن، معلول و بدون تخصص شود. نگاهی به فرم‌های مهاجرت نشان می‌دهد که هنوز فاکتورهایی همچون جوانی، سالم بودن و تخصص داشتن برای مهاجرت از طریق کارگران ورزیده، (Skilled Workers) اهمیت دارد.

### پدیده مهاجرت

موج مهاجرت به عنوان پدیده‌ای نو، که پیامد دنیای پسااستعماری محسوب می‌شود، از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. امروزه به واسطه وسایل ارتباطی نوین، پدیده مهاجرت بیش از هر زمان دیگری رخ می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد مهاجرت‌های انجام پذیرفته در دهه‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری در کل تاریخ جهان بوده است. دبیر کل سازمان ملل در سومین گردهمایی مهاجرت و توسعه که در 4 نوامبر 2009 که در آتن برگزار گردید، خاطر نشان شد که بیش از دویست و چهل میلیون نفر در کشوری غیر از زادگاه خود زندگی می‌نمایند یا به عبارت دیگر اقدام به مهاجرت نموده‌اند. نظر سنجی‌های انجام شده دیگر، در جهان بیانگر آن است که بیش از هفتصد میلیون نفر دیگر در صورت مهیا بودن شرایط، علاقمند به مهاجرت به کشوری غیر از محل اقامت فعلی خود هستند. مجموع ارقام حاکی از آن است که مهاجرت، دغدغه حدود یک میلیارد نفر از مردم جهان است.

### دلایل مهاجرت

مهاجرت می‌تواند پدیده‌ای آگاهانه و از روی انتخاب باشد. یا اینکه، پدیده‌ای ناگزیر از روی اجبار یا تهدید همچون تبعید و جلای وطن باشد. مهاجران غیر قانونی، پناهندگان، آوارگان و کارگران مهاجر نیز در این زمره قرار دارند. همچنین مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جنگ به جریان مهاجرت دامن می‌زنند. در این بین کشورها به دو دسته کشور مهاجر فرست و مهاجر پذیر تقسیم می‌شوند که ما بین این دو یک سری عوامل مداخله گر مثبت یا منفی وجود دارد. (6) جمعیت مهاجرت‌ها بنا به دلایل متعددی مثل جنگ، بیکاری، مسائل اقتصادی، موارد سیاسی، شرایط اقلیمی، خشکسالی و سیل صورت می‌پذیرد. غالباً جهت حرکت مهاجرت‌های بین‌المللی، از سمت کشورهای توسعه نیافته به سوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته است. خیلی از مهاجرت‌ها به صورت آگاهانه و با شرایط قانونی صورت می‌پذیرد. در این میان انسان‌هایی نیز هستند که با مخاطره انداختن جان و مال، سرنوشت خود را به دست قاچاقچیان

انسان می‌سپارند تا مهاجرتی نا امن در سرزمینی دیگر برای آنها رقم بزنند.

### مهاجرت نیروی کار

مهاجرت به عنوان پدیده‌ی تحرک جغرافیایی و جابجایی مکانی تعریف می‌شود که فاکتورهای تأثیر گذار خود را دارد. بیکاری، مسائل اقتصادی، اجتماعی، تحولات سیاسی و جنگ از عوامل مهم تأثیر گذار بر پدیده مهاجرت می‌باشد. توزیع نامتوازن ثروت و جمعیت که در دوران پسااستعماری نمود بیشتری پیدا کرد نیز به افزایش روند مهاجرت دامن می‌زند. بنابراین سیل جمعیت بیشتر از جانب کشورهای مهاجر فرست به سوی کشورهای مهاجر پذیر می‌باشد.

### مهاجرت کاری: رابطه کارفرما و کارگر

آمارها نشان می‌دهد اشخاص تحصیلکرده بیش از سایرین اقدام به مهاجرت می‌کنند. کشورهای مهاجر پذیر با واگذاری مشاغل سخت‌تر با درآمدهای کمتر یک طبقه اجتماعی برتری برای خود ایجاد می‌نمایند. به طور مثال، اداره مهاجرت کشورهای مهاجر پذیر اقدام به پذیرش مهاجر با عنوان «Skilled Worker» یا متخصص ورزیده با مهارت بالا می‌نماید. در این سیستم مشاغل سخت‌تر با درآمدهای کمتر به مهاجران واگذار می‌شود. بنابراین یک سلسله طبقاتی دیگر با عنوان کارفرما و کارگر در پدیده مهاجرت ایجاد می‌گردد. پیامد آن، فرهنگ و نژاد کارفرما برتر از نژاد کارگران مهاجر شمرده می‌شود.

### پیامدهای مهاجرت

مهاجرت و جابجایی انبوه در جهان مزایا و معایب متعددی برای کشورهای مهاجر فرست و مهاجر پذیر دارد. به طور مثال کشورهای مهاجر فرست که غالباً با بیکاری و مسائل اقتصادی روبرو هستند با اعزام نیروی کار جوان خود می‌توانند در کوتاه مدت مسئله بیکاری کشور را کمتر کنند. به ازای مهاجرت یک نیروی کار مولد در آمد ارزی برای آن شخص و یک فرصت شغلی برای شخص دیگری ایجاد می‌گردد. بنابراین در کوتاه مدت، یک فرصت شغلی و درآمد ارزی برای کشورهای مهاجر فرست ایجاد می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد که مردان بیش از زنان و اشخاص تحصیلکرده بیش از سایرین اقدام به مهاجرت می‌نمایند. در بلند مدت، این موضوع به خروج دانش، سرمایه و کاهش نیروی مولد می‌انجامد. بنابراین با خروج دانش و سرمایه و برهم خوردن توازن سنی و جنسی جمعیت جوان کاهش و عقب ماندگی کشورهای

مهاجر فرست افزایش می‌یابد. (7)

در مقابل، کشورهای مهاجر پذیر با گزینش مهاجرینی که از نظر سنی جوانتر، از نظر دانش بالاتر و از نظر ثروت غنی تری هستند دست به انتخاب آگاهانه می‌زند. کشورهای مهاجر پذیر با واگذاری مشاغل سخت و پرداخت دستمزدهای کمتر به مهاجران می‌توانند بهروری و پیشرفت خود را افزایش دهند. بنابراین، مشاغل سطح پایین یکی دیگر از عوامل دخیل در ادبیات مهاجرت می باشد.

### نویسندگان ادبیات مهاجرت

نویسندگان ادبیات مهاجرت ایران بیشتر کسانی هستند که به زبان و ادبیات کشوری که به آن مهاجرت نموده اند تسلط دارند و با نویسندگان، فلاسفه و منتقدین به نام جهان آشنایی دارند. از جمله می‌توان به خانم گلی ترقی و آقای ناصر غیائی، نویسنده و مترجم ایرانی مقیم آلمان اشاره نمود. آقای ناصر غیائی که تحصیلکرده رشته زبان و ادبیات آلمانی می باشد، برای گذران زندگی در آن کشور به تاکسیرانی اشتغال دارد. کتابهای «تاکسی نوشته ها» و «تاکسی نوشته‌های دیگر» حاصل تعاملات کار و زندگی وی به عنوان مهاجر محسوب می‌گردد.

منتقدان نقد پسااستعماری معتقدند که مهاجرت نحوه جدیدی از بودن و زندگی کردن در قرن بیست و یکم است. از جمله عوامل تأثیرگذار در مهاجرت می‌توان به مسائل اقتصادی، اجتماعی، تحولات سیاسی و جنگ اشاره نمود. پدیده مهاجرت، با فرهنگ و زبان دو کشور مهاجر پذیر و مهاجر فرست ارتباط دارد. کتابهای «تاکسی نوشته ها» و «تاکسی نوشته‌های دیگر» از جمله آثار ادبیات مهاجرت ایران محسوب می شود که از نسل اول ادبیات مهاجرت که بیشتر به خاطره و دلتنگی برای وطن می‌پرداختند فاصله گرفته اند، و بیشتر به واقعیتها و برخوردهای آستانه‌ای کار و زندگی مهاجران پرداخته‌اند. نویسندگان نسل اول ادبیات مهاجرت ایران همچون آقای تقی مدرسی و خانم گلی ترقی در آثارشان بیشتر به مسائلی همچون دلتنگی برای وطن و خاطرات گذشته می‌پردازند. اما آثار نویسندگانی همچون خانم فیروزه جزایری دوما و آقای ناصر غیائی بیشتر به مسائل مهاجران زندگی و نحوه برخورد آنها با مسائل موجود در کشورهای مهاجر پذیر پرداخته است.

نگاهی گذرا به کاندیدا و برندگان جوایز ادبی ایران و جهان نشان می دهد که ادبیات مهاجرت ایران سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. بررسی پر تیراژترین کتابها و تعدد دفعات چاپ و نشر،



همچنین رویکرد جلسات نقد و بررسی آثار ادبی پیرامون ادبیات مهاجرت ایران، حاکی از اهمیت فزاینده آن می باشد. شواهد نشان می دهد که نویسندگان این حوزه، از دانش نقد و ادبیات نیز بی بهره نیستند. ادبیات مهاجرت، به مسائلی همچون زبان، ترجمه، هویت، نژاد، آوارگی و پراکندگی، اسطوره‌های سرزمین مادری، تفاوت و تنوع فرهنگی می‌پردازد.

### نتیجه گیری

امروزه به واسطه وسایل ارتباطی نوین، پدیده مهاجرت بیش از هر زمان دیگری رخ می دهد. ادبیات مهاجرت به روایت زندگی و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجران در سرزمین بیگانه می‌پردازد. این حیطه از ادبیات و نقد ادبی که به نام Diaspora خوانده می شود یکی از جدیدترین دستاوردهای قرن بیست و یکم می باشد، که حاصل مهاجرت‌های انبوه قرن بیستم و تحولات جهان در این دوران می باشد. جغرافیای فرهنگی جهان، هویت فردی را ذوب می کند و مفاهیمی همچون زبان، مکان، زمان، بودن، نژاد و بر خودرها را دستخوش تغییر می کند و پایه‌های نقد فرهنگی و نقد پسااستعماری را بنیان می‌نهد. این تغییرات باعث می شود که مهاجران به دنیای درون و خاطرات گذشته خودشان پناه ببرند و خاطره نویسی میراث ادبیات مهاجرت محسوب شود.

ادبیات مهاجرت صدای مرکز نیست. در ادبیات مهاجرت یک صدای واحد و مرکزیت ادبی قاطع وجود ندارد. صداهای حاشیه و صداهای گمشده از مولفه‌های ادبیات مهاجرت هستند که در مقابل صدا و فرهنگ قالب کشور دیگر، به دنبال خود می‌گردد. مهاجران همانگونه که از مرزهای مذاب فرهنگی، جغرافیایی و صداها قالب می‌گذرند، با روایت‌های گذشته، به دنبال هویت کنونی می‌گردند. ادبیات مهاجرت ساختارها، تعاریف و مرزها را برهم می‌زند و روایت خودش را بازسازی می کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشت‌ها

1. Bill Ashcroft, Gareth Griffiths and Helen Tiffin, **Post-Colonial Studies: The Key Concept** (New York: Rutledge, 2005), p. 186  
ادوارد سعید، **شرق‌شناسی**، ترجمه لطفعلی خنجی (تهران: امیرکبیر 1386) ص 168,2
3. Neil Lazarus, **the Cambridge Companion to Postcolonial Literary Studie** (Cambridge: Cambridge University Press, 2004), p. 1.
4. فرانتس فانون، **پوست سیاه، صورت‌تک‌های سفید**، ترجمه محمد امین کاردان (تهران: خوارزمی، 1353)، ص 2.
5. Ashcroft and Others, **Op. Cit.**, p. 69.
6. سعید تمنا، **مبانی جمعیت‌شناسی** (تهران: دانشگاه پیام نور، 1386)، ص 185.
7. همان، ص 189

## منابع<sup>1</sup>

- Ashcroft, Bill, Gareth Griffiths and Helen Tiffin, **The Post-colonial Studies Reader** (New York: Rutledge, 2006).
- Ashcroft, Bill, Gareth Griffiths and Helen Tiffin, **The Empire Writes Back** (New York: Rutledge, 2005).
- Bhabha, Homi K., **the Location of Culture** (London and New York: Rutledge, 2000).
- Castle, Gregory, **Postcolonial Discourses: An Anthology** (Oxford: Blackwell, 2001).
- Césaire Aimé. Trans. Joan Pinkham, **Discourse on Colonialism** (New York and London: Monthly Review Press, 1972).
- Chowdhry, Geeta and Sheila Nair, **Power, Post Colonialism and International**

1 - در تدوین طرح پژوهشی «میراث نقد پسااستعماری در ادبیات مهاجرت» از منابع مندرج در این بخش استفاده شده و لاجرم این منابع به طور غیرمستقیم در این مقاله نیز تأثیر گذاشته‌اند و به رسم امانت‌داری علمی درج گردیده است.

**Relations: Reading Race, Gender and Class.** (New York: Routledge, 2004).

- Darwin, John, **Britain and Decolonization: The Retreat from Empire in the Post-war world.** London: Macmillan, 1988).

- Ferro, Marc, **Colonization: A Global History** (London and New York: Routledge, 1997).

- Huddart, David, **Homi K. Bhabha** (New York: Routledge, 2006).

- Leitch, Vincent B., **The Norton Anthology of Theory and Criticism** (New York and London: Norton, 2001).

- Lentricchia, Frank and Thomas McLaughlin, **Critical Terms for Literary Study** (Chicago and London. The University of Chicago Press, 2nd Edition, 1995).

- Lodge, David and Nigel Wood., . **Modern Criticism and Theory: A Reader** (New York: Pearson Education, 2000).

- Luckhurst, Roger and Peter Marks, **Literature and the Contemporary Fictions and Theories of the Present** (New York: Longman, 1999).

- Memmi, Albert, **The Colonizer and the Colonized** (New York: The Orion Press, 1965).

- North, Michael, **The Dialect of Modernism: Race, Language, and Twentieth-Century Literature** (New York and Oxford: Oxford University Press, 1998).

- Parry, Benita, **Postcolonial Studies: A materialist Critique** (New York: Routledge, 2004).

- Pearce, Roy Harvey, **Colonial American Writing** (New York and Chicago: Holt, Rinehart and Winston, 1950).

- Rivkin, Julie and Michel Ryan, **Literary Theory: An Anthology** (USA: Blackwell Publishing, 2004).

- Rush, Michael, **Politics and Society: An Introduction to Political Sociology**

(New York and London: Harvester Wheatsheaf, 1992).

- Said, Edward W., ***Orientalism***, (London: Penguin, 2003).

- Sartre, Jean-Paul, ***Colonialism and Neocolonialism*** (New York: Rutledge, 2001).

- Selden, Raman and Peter Widdowson, ***A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*** (New York: Harvester Wheatsheaf, 4th Edition, 1997).

Sprinker, Michael, ***Edward Said: A Critical Reader*** (Oxford UK & Cambridge USA: Blackwell, 1992).

Turner, Bryan S., ***Orientalism, Postmodernism & Globalism*** (London and New York: Routledge, 1994).

Young, Robert J.C., ***Post Colonialism: An Historical Introduction*** (USA: Blackwell Publishing, 2004).

